

تیم ملی با محافظه کاری خداحافظی می کند

سرمربی در آزمون بزرگ تغییر

نگاه فنی

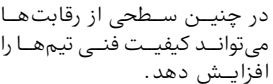
حمیدرضا عرب

خبرنگار

در دی ماه سال جاری جام ملت‌های آسیا در کشور عربستان آغاز می‌شود. تورنمنتی که برای تیم ملی ایران چیزی فراتر از یک رقابت قاره‌ای است. پس از سال‌ها ناکامی در فتح این جام، اکنون تنها هدفی که می‌تواند عملکرد تیم ملی را با امیر قلعه‌نویی موفقیت‌آمیز جلوه دهد، رسیدن به‌عنوان قهرمانی است.

اما مسیررسیدن به این هدف نسبت به دوره‌های گذشته به مراتب دشوارتر شده است، زیرا فوتبال آسیا دیگر همان فوتبال چند سال قبل نیست. جام جهانی اخیر، اگرچه از نظر نتیجه برای اکثر نمایندگان آسیا چندان درخشان نبود، اما از نظر تجربه‌اندوزی نقطه عطفی برای فوتبال این قاره محسوب می‌شود. حضور ۹تیم آسیایی در بزرگ‌ترین رویداد فوتبال جهان، فرصت ارزشمندی را در اختیار تیم‌های این قاره قرار داد تا برابر قدرت‌های بزرگ دنیا قرار بگیرند،

ضعف‌های خود را بشناسند و از نظر تاکتیکی و ذهنی رشد کنند. درست است که تنها ژاپن و استرالیا موفق شدند از مرحله گروهی صعود کنند و تیم‌هایی مانند عراق، اردن و ازبکستان حتی بدون کسب امتیاز از جام جهانی کنار رفتند، اما نباید فراموش کرد که صرف حضور



در چنین سطحی از رقابت‌ها می‌تواند کیفیت فنی تیم‌ها را افزایش دهد. عربستان، قطر، ایران و کره جنوبی نیز هر کدام تجربه‌ای متفاوت از حضور در جام جهانی کسب کردند و امتیازاتی به دست آوردند که البته سهم ایران و کره جنوبی ۳ امتیاز بود و شرایط بهتری نسبت به این دو تیم داشتند.

مسأله اما کسب امتیازات نیست. نفس حضور در جام جهانی تیم‌ها را در یک نقطه خودباوری قرار خواهد داد و این موضوع سطح رقابت‌های ملت‌ها را به شکل محسوسی بالاتر خواهد برد. دیگر نمی‌توان تنها ژاپن، کره جنوبی و استرالیا را مدعیان اصلی دانست. عراق، اردن، ازبکستان و قطر با اعتمادبه‌نفس و تجربه‌ای بیشتر وارد این مسابقات خواهند شد و فاصله میان مدعیان و تیم‌های میانی آسیا کمتر از گذشته شده است.

برای تیم ملی ایران نیز این شرایط یک هشدار جدی محسوب می‌شود. اگر قرار باشد همان فوتبال محتاطانه‌ای که در جام جهانی ارائه شد ادامه پیدا کند، رسیدن به قهرمانی بسیار دشوار خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین انتقادهایی که به عملکرد تیم ملی در جام جهانی واردشد، تک‌بعدی بودن سبک بازی است. ایران در اغلب مسابقات، تمرکز خود را روی دفاع، ششدره بازی کردن، ضدحمله و استفاده از ضربات ایستگاهی قرار داده بود. این شیوه شاید مقابل برخی رقبای بتواند نتیجه‌بخش باشد، اما در



امیرقلعه‌نویی
ایران باید از
ملی اکنون
پیش از هر
زمان دیگری
نیازمند
بازنگری در
رویکرد فنی
خود هستند.
ایران باید از
یک تیم صرفاً
واکنشی
به تیمی
تبدیل شود
که توانایی
تحمل
فوتبال خود
به حریف را
داشته باشد.
این دگردیسی
تنها با افزایش
کیفیت
هجومی
امکان‌پذیر
است.

تورنمنتی مانند جام ملت‌های آسیا که ایران باید نقش تیم برتر را ایفا کند، کافی نیست. قهرمان آسیا باید توانایی کنترل مسابقه، خلق موقعیت، حفظ مالکیت، تغییر ریتم بازی و شکستن دفاع های متراکم را داشته باشد. تیمی که تنها یک نقشه برای رسیدن به گل داشته باشد، در مراحل حذفی به مشکل خواهد خورد. نقطه‌ای که کوچک‌ترین اشتباه می‌تواند پایان مسیر باشد.

امیر قلعه‌نویی و کادرفنی تیم ملی اکنون بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازنگری در رویکرد فنی خود هستند. ایران باید از یک تیم صرفاً واکنشی به تیمی تبدیل شود که توانایی تحمیل فوتبال خود به حریف را داشته باشد. این دگردیسی، تنها با افزایش کیفیت

تیم ملی نیاز دارد در فاز حمله صاحب تنوع باشد و از بازی ترکیبی گرفته تا استفاده از کناره‌ها، پرس از جلو، جابه‌جایی مداوم مهاجمان و طراحی حملات متنوع را در برنامه هجومی خود بگنجاند. فوتبال امروز آسیا دیگر اجازه نمی‌دهد یک تیم تنها با

مربوط به تیم ملی مطرح شده و یکی از اعضای کادرفنی این حق را پیدا کرد تا توضیحات خود را ارائه دهد شاید قدم اول خوبی باشد. البته که در این برنامه بسیاری از مسائل جدی به شوخی و خنده گذشت و پاسخ داده نشد اما مواردی هم عنوان و دفاعیاتی مطرح شد تا پایه‌گذار بحث‌ها و نقدهای بعدی شود.

مهمترین نکته‌ای که افاضلی به آن اشاره داشت بحث دلایل مربوط به عدم نتیجه‌گیری مقابل نیوزیلند بود. طبق ادعای او کادر فنی تیم ملی برنامه داشت تا از این بازی سه امتیاز بگیرد و در دو بازی بعدی دنبال یک امتیاز باشد که در بازی اول به هدفش نرسید. افاضلی تأکید کرد عدم تطبیق‌پذیری شرایط بدنی بازیکنان با توجه به اختلاف ساعت زیاد تا آمریکا باعث شد تا بازیکنان از نظر بدنی شرایط خوبی در نخستین مسابقه نداشته باشند.

البته فعلاً به این مقوله وارد نمی‌شویم چراکه هر کدام از این نکات را می‌توان جداگانه بررسی کرد تا مشخص شود ادعای عضو کادرفنی تیم ملی تا چه حد می‌تواند درست باشد اما یک سؤال کلی‌تر وجود دارد که افاضلی به آن پاسخی نداد و احتمالاً قلعه‌نویی و دیگر همکارانش هم پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای

فوتبال ایران



عکس: فدراسیون فوتبال

باشد. اگر قلعه‌نویی بتواند ضمن حفظ استحکام دفاعی، تیمی با برنامه‌های متنوع هجومی، مالکیت مؤثر و جسارت بیشتر بسازد، شانس ایران برای پایان دادن به حسرت طولانی قهرمانی افزایش خواهد یافت.

اما اگر همان رویکرد محتاطانه و تک‌بعدی ادامه پیدا کند، عبور از رقیبایی که با تجربه جام جهانی متحول شده‌اند، بسیار دشوار خواهد بود.

در نهایت یک سؤال مهم نیز متوجه مدیریت فدراسیون فوتبال است: مهدی تاج بارها از ادامه همکاری با امیر قلعه‌نویی سخن گفته، اما افکار عمومی انتظار دارد بداند آیا برای این همکاری، اهداف و شاخص‌های مشخصی نیز تعریف شده است یا خیر؟ تیم ملی نمی‌تواند تنها با امید به شانس و اتفاقات وارد مهم‌ترین تورنمنت قاره شود. پس از نزدیک به نیم‌قرن انتظار، دیگر هیچ نتیجه‌ای جز قهرمانی برای فوتبال ایران رضایتبخش نخواهد بود و رسیدن به این هدف، مستلزم تغییر نگرش، ارتقای کیفیت فنی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر از گذشته است.

گروه خود برخوردار است، اما چین، سوریه و قرقیزستان تیم‌هایی نیستند که بتوان آنها را دست‌کم گرفت. فوتبال آسیا بارها نشان داده تیم‌های به ظاهر متوسط می‌توانند برای مدعیان در سرسره‌های بزرگی ایجاد کنند. با این حال، آزمون واقعی ایران از مرحله یک‌هشتم و یک‌چهارم نهایی آغاز خواهد شد. جایی که احتمالاً باید با تیم‌هایی روبه‌رو شود که تجربه حضور در جام جهانی را نیز در کارنامه دارند. نکته مهم دیگر، کیفیت فوتبال ارائه‌شده از سوی تیم ملی است. طی دو سال اخیر بجز در یکی دو مسابقه، تیم ملی کمتر توانسته فوتبالی روان، تهاجمی و جذاب ارائه کند. این تیم اگرچه از نظر نتیجه در بسیاری از مسابقات موفق فنی می‌تواند تنها با امید به شانس و اتفاقات وارد مهم‌ترین تورنمنت قاره شود. پس از نزدیک به نیم‌قرن انتظار، دیگر هیچ نتیجه‌ای جز قهرمانی برای فوتبال ایران رضایتبخش نخواهد بود و رسیدن به این هدف، مستلزم تغییر نگرش، ارتقای کیفیت فنی و برنامه‌ریزی دقیق‌تر از گذشته است.

جام ملت‌های آسیا می‌تواند نقطه عطفی برای تغییر این روند

ضربات ایستگاهی و اوت‌های بلند و در نهایت سانتر از جناحین شانس گل خلق می‌کرد که اتفاقاً برخلاف ادعای مربی تیم ملی در این تورنمنت خیلی کم نمونه‌اش را دیدیم. از این حیث مدل حمله کردن تیم ایران هم مثل دفاع کردنش – آنچه در بازی بلژیک اتفاق افتاد- عجیب و غریب و منحصر به فرد بود و البته برآیند مجموع دقایقی که تیم ایران مشغول دفاع صرف بود به علاوه دقایق حضور در زمین حریف با هدف خلق موقعیت گل ثابت کرد تیم ما کیفیت فنی لازم برای پیروزی را نداشت و در نتیجه سه امتیاز نه از سر بردشانی بلکه در عین استحقاق نصیب‌مان شد که خب با توجه به جدول گروه‌های دیگر برای صعود کافی نبود.

واقعیت حتی اگر تلخ باشد باید بپذیریم که تیم ملی فوتبال ایران نسبت به چهار سال قبل اگر بوده به قول مربی تیم ملی در بخش بدنی اتفاق افتاده است. همچنین باید بپذیریم که نسبت به هیچ یک از نمایندگان آسیا در این تورنمنت فوتبال بهتری بازی نکردیم و حتی اگر نتایج‌مان بهتر بوده، این بهتر بودن در مدل فوتبالی که در زمین دیدیم نمود نداشت.

برایش ندارند؛ اینکه چرا کیفیت بازی تیم ملی در هر سه مسابقه پایین بود؟ البته که مربی تیم ملی به فاکتور «امید گل» در بازی با مصر اشاره می‌کند و این را فکتی برای دستاوردهای فنی در این تورنمنت می‌داند اما در واقعیت آنچه از چهره تهاجمی دیدیم و ثبت شد مربوط به دقایق تلف شده این مسابقه بود که حریف ده‌نفره بازی می‌کرد – به خاطر مصدومیت یک بازیکن و نداشتن حق تعویض – و اینکه صعودش از قبل مسجل شده بود پس تقلاً چندانی نمی‌کرد و حتی به‌زعم افاضلی از دقیقه ۷۰ به بعد عقب نشسته بود.

افاضلی می‌گوید، قلعه‌نویی مربی‌ای است که در حمله و دفاع تعادل دارد اما واقعیت این است که غیر از بازی با نیوزیلند در دو بازی دیگر هیچ تعادلی در کار نبود چراکه تیم ما نزدیک به ۳۰ دقیقه مقابل بلژیک ده‌نفره بازی کرد و حدود ۹۰ دقیقه مقابل مصری که صعودش از قبل مسجل شده بود به دفاع پرداخت و طرح و برنامه مشخصی برای تحت فشار گذاشتن حریف و ایجاد موقعیت گل نداشت.

کادرفنی تیم ملی باید بپذیرد که تیم ایران در این تورنمنت در فاز حمله برای خلق موقعیت نه تنوع داشت نه خلاقیت و تنها براساس ضربه‌های ایستگاهی و اوت‌های بلند و در نهایت سانتر از جناحین شانس گل خلق می‌کرد که اتفاقاً برخلاف ادعای مربی تیم ملی در این تورنمنت خیلی کم نمونه‌اش را دیدیم. از این حیث مدل حمله کردن تیم ایران هم مثل دفاع کردنش – آنچه در بازی بلژیک اتفاق افتاد- عجیب و غریب و منحصر به فرد بود و البته برآیند مجموع دقایقی که تیم ایران مشغول دفاع صرف بود به علاوه دقایق حضور در زمین حریف با هدف خلق موقعیت گل ثابت کرد تیم ما کیفیت فنی لازم برای پیروزی را نداشت و در نتیجه سه امتیاز نه از سر بردشانی بلکه در عین استحقاق نصیب‌مان شد که خب با توجه به جدول گروه‌های دیگر برای صعود کافی نبود.

واقعیت حتی اگر تلخ باشد باید بپذیریم که تیم ملی فوتبال ایران نسبت به چهار سال قبل اگر بوده به قول مربی تیم ملی در بخش بدنی اتفاق افتاده است. همچنین باید بپذیریم که نسبت به هیچ یک از نمایندگان آسیا در این تورنمنت فوتبال بهتری بازی نکردیم و حتی اگر نتایج‌مان بهتر بوده، این بهتر بودن در مدل فوتبالی که در زمین دیدیم نمود نداشت.

مسأله فقط اختلاف ساعت نبود

در عین حال، نباید از شرایط خاص تیم ملی نیز غافل شد. انتقال کمپ از آمریکا به تیخوانا به دلیل مشکلات مربوط به ویزا و شرایط سیاسی، محدودیت‌هایی را برای کادرفنی و

فوتبال ایران

واکنش

سرمقاله نوشتن آسان است

برنامه را در زمین نشان دهید

۱۸۰روز تا جام ملت‌های آسیا باقی مانده و فدراسیون فوتبال با انتشار سرمقاله‌ای از «برنامه»، «فرآیند حرفه‌ای»، «نگاه بلندمدت» و «آمادگی برای قهرمانی» سخن گفته است. متن پر از واژه‌های امیدوارکننده است؛ واژه‌هایی که هر هوادار فوتبال دوست دارد آنها را بشنود. اما یک پرسش ساده همچنان بی‌پاسخ مانده است: برنامه‌ای که از آن صحبت می‌شود، تاکنون در کجای عملکرد تیم ملی دیده شده است؟ شاید مهم‌ترین جمله سرمقاله این باشد که «در فوتبال امروز، قهرمانی اتفاقی به دست نمی‌آید.» کاملاً درست است؛ اما اگر این گزاره درست باشد، گزاره دیگری هم درست است: برنامه نیز فقط با نوشتن و تکرار کردن به‌وجود نمی‌آید. برنامه زمانی معنا پیدا می‌کند که اثرش در کیفیت فوتبال، هویت فنی تیم و روند رو به رشد آن دیده شود، نه صرفاً در انتشار یک متن امیدوارکننده. واقعیت این است که فوتبال حرفه‌ای، بیش از آنکه به ادبیات زیبا احتیاج داشته باشد، به نشانه‌های روشن نیاز دارد؛ نشانه‌هایی که در زمین مسابقه قابل مشاهده باشند.

اگر برنامه وجود دارد، خروجی آن جاست؟

سرمقاله تأکید می‌کند تیم ملی براساس یک «برنامه مشخص، زمان‌بندی‌شده و هدفمند» حرکت می‌کند. بسیار خب اما سؤال اینجاست که خروجی این برنامه چیست؟ آیا کیفیت بازی‌های تیم ملی نسبت به یک سال قبل تغییر محسوسی کرده است؟ آیا تنوع تاکتیکی بیشتری دیده می‌شود؟ آیا تیم ملی در مقابل رقبای جدی، شخصیت فوتبالی متفاوتی از خود نشان داده است؟ در فوتبال حرفه‌ای، هیچ برنامه‌ای با تعداد اردوها یا جلسات تمرینی سنجیده نمی‌شود. معیار، چیزی است که در ۹۰دقیقه مسابقه دیده می‌شود. اگر برنامه وجود دارد، باید اثرش هم قابل مشاهده باشد. اتفاقاً خود فدراسیون نیز با تأکید بر «فرآیند» و «برنامه‌ریزی دقیق»، معیار قضاوت را مشخص کرده است: بنابراین طبیعی است که افکار عمومی نیز همین معیار را مبنای ارزیابی قرار دهد.

جوانگرایی با یک جمله اتفاق نمی‌افتد

یکی دیگر از وعده‌های سرمقاله، «آماده‌سازی نسل جدید در کنار بازیکنان باتجربه» است. این دقیقاً همان مطالبه‌ای است که مدت‌هاست از سوی کارشناسان مطرح می‌شود. جوانگرایی یک تیت‌ر رسانه‌ای نیست بلکه یک تصمیم بزرگ، جسورانه و فنی است. تا زمانی که بازیکنان جوان در مسابقات مهم فرصت بازی پیدا نکنند، تجربه نیندوزند و مسئولیت نپذیرند، هیچ نسلی ساخته نخواهد شد. ۱۸۰روز فرصت کمی نیست. اگر قرار است این مدت، سکوی پرتاب تیم ملی به سوی جام ملت‌ها باشد، باید در همین بازه زمانی نشانه‌های تغییر دیده شود؛ چه در ترکیب، چه در میزان اعتماد به بازیکنان جوان و چه در افزایش رقابت برای حضور در تیم ملی.

فرآیند حرفه‌ای فقط برگزاری اردو نیست

سرمقاله از «بشتوانه یک فرایند حرفه‌ای» سخن گفته اما فرایند حرفه‌ای فقط به معنای داشتن تقویم اردوها یا بازی‌های تدارکاتی نیست. تیم‌های موفق آسیا، پیش از آنکه با نتایج‌شان شناخته شوند، با هویت فوتبالی‌شان شناخته می‌شوند. آنها سبک بازی مشخص دارند، در طول زمان پیشرفت می‌کنند و هر تورنمنت، نسخه کامل‌تری از خود را ارائه می‌دهند. این همان انتظاری است که از تیم ملی ایران نیز وجود دارد. اگر قرار است از نگاه بلندمدت صحبت شود، باید نشانه‌های آن در کیفیت بازی، در ایده‌های تاکتیکی و در روند پیشرفت تیم دیده شود. برنامه‌ای که فقط در تقویم وجود داشته باشد، هنوز به فرایند حرفه‌ای تبدیل نشده است.

آرامش جایگزین مطالبه‌گری نیست

در بخشی از سرمقاله از «آرامش در اجرای برنامه» به‌عنوان سرمایه فوتبال ایران یاد شده است. البته که آرامش برای هر تیمی ضروری است اما آرامش با نبود پرسش تفاوت دارد و فوتبال حرفه‌ای با سؤال‌های حرفه‌ای رشد می‌کند. وقتی فدراسیون از برنامه، فرایند و نگاه بلندمدت سخن می‌گوید، طبیعی است رسانه‌ها نیز درباره کیفیت این برنامه سؤال کنند. این مطالبه‌گری نه مخالفت با تیم ملی است و نه نادیده گرفتن موفقیت‌های آن؛ بلکه بخشی از همان استانداردهای حرفه‌ای است که خود فدراسیون از آن سخن می‌گوید. مدیران فدراسیون و اعضای کادرفنی تیم ملی باید بپذیرند که نقد فنی، رقیب تیم ملی نیست بلکه مکمل پیشرفت آن است. تیمی که مدعی قهرمانی آسیاست، باید آن قدر به برنامه خود اطمینان داشته باشد که از پرسش‌های کارشناسی استقبال کند، نه‌اینکه آنها را مانعی بر سر راه آرامش بداند.

فرصت پاسخ در زمین مسابقه

همه تیم ملی را دوست دارند، از موفقیت‌ش لذت می‌برند اما حمایت از تیم ملی، به معنای تعطیل شدن نقد نیست. اتفاقاً تیمی که مدعی قهرمانی آسیاست، بیش از هر زمان دیگری نیاز به زیر‌دربین باشد. فدراسیون در سرمقاله خود آورده که موفقیت از دل برنامه‌ریزی دقیق آغاز می‌شود. این جمله را باید به‌خاطر سپرد؛ زیرا از امروز، هر اردو، هر بازی تدارکاتی و هر تصمیم فنی، بخشی از همین برنامه خواهد بود و طبیعتاً با همین معیار نیز قضاوت می‌شود. باید قبول کنیم که سرمقاله‌ها می‌توانند امید ایجاد کنند اما جام ملت‌ها با امید و واژه فتح نمی‌شود. اگر واقعاً برنامه‌ای در جریان است، بهترین پاسخ به همه تردیدها نه انتشار متن‌های امیدوارکننده، بلکه نمایش یک تیم ملی متفاوت در مسابقات سب‌ساز تیمی که کیفیت بازی‌اش، بهترین دفاع از برنامه‌ای باشد که این روزها درباره آن بسیار نوشته می‌شود. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، نه رسانه‌ها دلیلی برای تردید خواهند داشت و نه افکار عمومی نیاز به ا قناع به سرمقاله‌ها؛ چراکه در فوتبال، قانع‌کننده‌ترین پاسخ همیشه همان چیزی است که در زمین مسابقه دیده می‌شود، نه آنچه روی کاغذ نوشته می‌شود.

سوزه

یکی از محورهای اصلی دفاع هومن افاضلی، مربی تیم ملی از عملکرد ایران در جام جهانی ۲۰۲۶ به موضوع زمان آماده‌سازی و تطبیق‌پذیری بازمی‌گردد.

او در یک برنامه اینترنتی تأکید کرد تیم ملی تنها شش روز پیش از نخستین مسابقه خود به مکزیک رسید و به همین دلیل بازیکنان از نظر بدنی در شرایط ایده‌آل قرار نداشتند. این توضیح در نگاه نخست منطقی به نظر می‌رسد.

سفری طولانی، اختلاف ساعت قابل توجه و شرایط خاص حضور در جام جهانی، بدون تردید روی هر تیمی اثر می‌گذارد اما وقتی تقویم مسابقات و جزئیات سفر تیم ملی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که پاسخ به آنها می‌تواند تصویر دقیق‌تری از این ماجرا ارائه دهد.

براساس برنامه رسمی، تیم ملی پس از حدود سه هفته برگزاری اردوی آماده‌سازی در آنتالیای ترکیه، روز ششم ژوئن این کشور را ترک کرد و بامداد هفتم ژوئن وارد تیخوانا محل استقرار خود در مکزیک شد. نخستین مسابقه ایران

روایت کادر فنی و آنچه تقویم و علم می‌گویند

هشت روز برای تطبیق کافی نبود؟

نیز روز پانزدهم ژوئن برگزار شد. به عبارت دیگر، ورود تیم ملی به کمپ اصلی تا اولین مسابقه هشت روز تقویمی بود، نه شش روز.

البته ممکن است منظور افاضلی شش جلسه تمرین کامل یا شش روز کاری بوده باشد اما اگر ملاک، زمان حضور تیم در کمپ اصلی باشد، تقویم رسمی فاصله‌ای هشت‌روزه را نشان می‌دهد. همین موضوع نخستین ابهامی است که نیاز به توضیح دارد.

سفر سخت بود، اما غیرمنتظره نه

بدون تردید مسیر سفر تیم ملی آسان نبود. کاروان ایران مستقیماً از تهران به مکزیک نرفت، بلکه پس از سه هفته اردو در آنتالیا راهی سفری بین‌قاره‌ای شد. پرواز از ترکیه توقفی حدود پنج ساعته در مالاگای اسپانیا داشت و سپس در ادامه مسیر به تیخوانا، مجموع زمان سفر به حدود یک شبانه‌روز رسید.

افزون بر این، اختلاف ساعت میان آنتالیا و تیخوانا حدود ۱۰ساعت بود؛ اختلافی که در علم ورزش می‌تواند موجب اختلال خواب، کاهش تمرکز و افت موقت عملکرد جسمانی شود. بنابراین اصل ادعای دشوار بودن شرایط سفر، قابل انکار نیست اما سؤال اصلی

اینجاست که آیا هشت روز برای سازگاری با چنین اختلاف زمانی واقعاً کافی بود؟

۸ روز خارج از استاندارد نبود

مطالعات پزشکی ورزشی و دستورالعمل‌های مربوط به رقابت‌های بین‌المللی نشان می‌دهد بدن ورزشکاران معمولاً روزانه حدود یک تا یک‌ونیم ساعت با اختلاف زمانی سازگار می‌شود. به همین دلیل، برای اختلاف زمانی حدود ۱۰ساعت، بسته به برنامه خواب، نور، تغذیه و زمان‌بندی تمرینات، معمولاً بین پنج تا هشت روز برای رسیدن به شرایط مطلوب در نظر گرفته می‌شود. به همین دلیل، بسیاری از تیم‌های حرفه‌ای جهان تلاش می‌کنند حدود یک هفته پیش از نخستین مسابقه در محل برگزاری مستقر شوند و با اجرای برنامه‌های علمی، اثرات جنگ را به حداقل برسانند. اگر این معیار را مبنا قرار دهیم، حضور هشت‌روزه تیم ملی در تیخوانا، هرچند ایده‌آل‌ترین شرایط ممکن نبود، اما خارج از استانداردهای رایج فوتبال حرفه‌ای نیز به نظر نمی‌رسد.

زمان با کیفیت برنامه؟

اگر بپذیریم که تیم ملی از هفتم ژوئن در کمپ خود مستقر شده و تا پانزدهم ژوئن فرصت آماده‌سازی داشته، آن‌گاه پرسش مهم‌تری مطرح می‌شود: آیا مشکل فقط کمبود زمان بود